کاندید اکادمیسین سیستانی ۲۰۱۰/۱۰/۵

نقدی برمقالهٔ آقای مژده

(نگاهی نو به تاریخ استقلال)

(بخش سوم)

۳- تخریب شاه امان الله به نام قهرمان سلطنت و اتهام سازش با نادرشاه ؟

در جملات زیر، شاه امان الله بگونهٔ استهزا آمیزی مورد توهین و تخریب قرارگرفته است. آقای مژده در مقاله اش چنین مینویسد که :" نشریهء همبستگی غر ارگان نشراتی حزب همبستگی افغانستان در شمارهء ۱٤ ماه سنبلهٔ خود در مقاله یی تحت عنوان" اشتباهات یك قهرمان " در رابطه به شاه امان الله خان مطلبی را به نشر رسانید که به نظر من بسیار جالب بود . نویسنده به اشتباهات این پادشاه در دوره یی پرداخته است که وی از قدرت خلع شده و در تبعید به سر می برد .از جمله سکوت وی در برابر استبداد دوره های بعد از وی در افغانستان، بی تفاوتی اش در برابر کشتار هواداران و یارانش، عدم نگارش خاطرات و حتی فرار از مصاحبه با خبرنگاران.
نگارندهء مقاله در این نوع موضعگیری های شاه مخلوع نشانه هایی از کنار آمدن با نادر شاه و آسوده طلبی شاهانهء وی را می بیند که **هرگز بی جا نیست** .نویسنده می خواهد بگوید که امان الله خان قهرمانی را فقط در مقام سلطنت می خواست و به همین دلیل وی بعد از خلع قدرت از مقام قهرمانی نیز کناره گرفت.

پاسخ – اولاً هیچ سندی وجود ندارد که شاه خود را در کدام جائی قهرمان سلطنت گفته باشد، ثانیاً هیچ مورخی بشمول مرحوم غبار او را " قهرمان" نه نامیده است. القاب قهرمان بازی فقط از زمان اشغال کشور توسط شورویها از نیمه های دهه ۸۰ قرن بیستم در عرصهٔ نظامی برای تشویق افسران اردوی ملی افغانستان رواج پیدا کرد و قبل از آن معمول نبود. بعدها درعهد حکومت تنظیمهای اسلامی و حکومت طالبان از رواج افتاد. پس ازحملهٔ امریکا برافغانستان در اکتوبر ۲۰۰۱، دوباره دادن لقب قهرمانی و مارشالی از کیسهٔ خلیفه به سران شورای نظار رواج پیدا کرد و تبلیغات مملو از دروغ و قهرمان پرستیهای تهوع آور در مورد احمد شاه مسعود ظاهراً سبب گردید تا بعضی از نویسندگان جوان افغان در تجلیل از جشن استرداد افغانستان از شاه امان الله **به عنوان محصل استقلال و قهرمان واقعی مردم افغانستان** نام ببرند. اما این لقب تا کنون از سوی کدام مقام با صلاحیت به آن شاه مترقی و سرفراز داده نشده است و بنابرین برشمردن اشتباهات آن شاه ترقی پسند تحت عنوان" قهرمان!" بیشتر به منظور توهین و تخریب او صورت گرفته تا تحسین و تبجیل از مقام آن شاه روشنفکر و ترقی خواه افغانستان.

علاوتاً استدلالهای سفسطه آمیزی با این عبارت:" سکوت وی در برابر استبداد دوره های بعد از وی در افغانستان، بی تفاوتی اش در برابر کشتار هواداران و یارانش، عدم نگارش خاطرات و حتی فرار از مصاحبه با خبرنگاران." تماماً حرف های پوچ و لاطایلات بیمارگونه است که با واقعیت های تاریخی همخوانی ندارد. کتاب "نبرد افغانی ستالین" (ترجمه آریانفر) و جلد دوم تاریخ غبار، هرکدام گواه صادقی است از فعالیت های سیاسی شاه امان الله درخارج از کشور برای استوار کردن دوبارهٔ حکومت مشروطه در افغانستان. بعداً ما به نقل نکاتی از آنها خواهیم پرداخت.

آقای مژده دراین عبارت با نگارندهٔ مقالهٔ (اشتباهات یک قهرمان) همنوا است که نوشته است:"نگارنده در این نوع موضعگیری های شاه مخلوع نشانه هایی از کنار آمدن با نادر شاه و آسوده طلبی شاهانهء وی را می بیند که **هرگز بی جا نیست**."

من فکر میکردم آقای مژده بهتر از آن نویسنده بی خبر از تاریخ کشور آگاهی دارد و میداند که تا نادرشاه زنده بود (نادر شاه در۸ نومبر ۱۹۳۳ توسط عبدالخالق کشته شد)، هیچگونه سازش و روابط حسنه میان شاه امان الله و نادرشاه ایجاد نشد. حتی زمانیکه شاه امان الله در مورد زمین و باغ خود و ملکه ثریا از نادرشاه سوال نمود، با عکس العمل شدید نادرشاه روبرو و مورد شدید ترین اتهامات قرارگرفت.

غبار میگوید که شاه امان الله در ۱۳۰۹ش تلگرام ذیل را عنوانی نادرشاه بکابل فرستاد: « **بحضور اعلیحضرت غازی! اموال و املاک و فابریکه های عین المال من و ثریا و اولاد های من در دست کیست و که اداره میکند؟ آیا حکومت چه**

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.

نظر دارد؟» نادرشاه برای خورد ساختن امان الله خان این نامه را به جرگهٔ شورا ارائه نمود. جرگه در فیصله نامه شماره پنج مورخ ۲۲ سنبله ۱۳۰۹ ش، شاه امان الله را خاین ملت نامید و طی مکاتبات خود به شاه از آن نوشت و طبعاً شاه امان الله نیز به تردید آن اتهامات پرداخت.(۱۷) ولی نتیجه ئی از آن مکاتبات نگرفت و بعد نادرشاه تمام ملکیت های منوط به شاه امان الله و مادرش و ملکه ثریا را بنام خود یا برادران خویش ضبط و ثبت کرد و سرانجام توسط سردار ولی داماد ظاهرشاه در عهد حکومت کرزی بفروش رسانده شدند و شکایات شاهدخت هندیه د افغانستان دختر شاه امان الله درمورد زمین های که به اسم مادرش ملکه ثریا درحومهٔ کابل خریداری شده بود و اسناد آنرا بدست دارد بجائی نرسید.

شاه امان الله در دوران جنگ عمومی دوم از نظر اقتصادی چنان در مضیقه قرارداشت که توان نان دادن اطفال خود را نداشت و برای اینکه دو دختر کوچکش (ناجیه و هندیه) از اثر سوء تغذی از رشد جسمی عقب نمانند، آنها را از روم به سویس به دارالایتام یک کلیسا فرستاده بود تا از آنها نگهداری نمایند. این درحالی بود که خودش با ملکه ثریا وهشت پسر و دختر بزرگتر خود در شهر روم با سختی های زندگی دست و پنجه نرم میکرد و بقول شاهدخت هندیه ماه ها جز شلغم چیزی برای خوردن نداشتند.(۱۸)

باید اول به توجه آقای مژده و بعد به توجه آقای نگارنده مقاله (اشتباهات یک قهرمان) برسانم که: شاه امان الله نه تنها در حیات نادرشاه که حتی بعد از مرگ نادرشاه نیز با برادرانش از در سازش پیش نیامده است. فعالیتهای شاه امان الله درخارج سبب شده بود تا سردار هاشم خان راه های مختلفی را برای از میان بردن فزیکی وی در پیش گیرد.

دراین مورد کتاب مهم **"نبرد افغانی استالین"** تالیف **پروفیسر یوری تیخانف**،استاد تاریخ وعضو اکادمی علوم روسیه فدراتیف (ترجمهٔعزیز آریانفر)، که رخدادهای سیاسی افغانستان را طی سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹٤٥ بررسی میکند، و در آن شاه امان الله و عنایت به قبایل آزاد پشتون در مرزهای هند برتانوی برای ضربه زدن به انگلیسها محور فعالیتهای جاسوسی هرسه کشور روسیه و آلمان و انگلیس قراردارد، یکی از منابع بسیار پراهمیت تاریخ افغانستان شمرده میشود.

در کتاب **نبردافغانی استالین** آمده است که: امانیستها علی رغم تنگدستی، توانستند شبکه های پر شاخ و برگ و پایگاه هایی را در برلین، استانبول، بغداد، مکه، تهران، مشهد، کربلا، بمبئی، کویته و پیشاور ایجاد کنند. شمار طرفداران امان الله خان در میان باشندگان افغانستان وقبایل پشتون پیوسته رو به افزایش بود. از این رو، در یکی از گزارش های استخبارات برتانیه با نگرانی یاد آوری شده بود: «هرگاه تنها امان الله، یا یکی از اعضای بانفوذ (موثر) از «حواریون» او بتوانند به گسترهٔ قبایل پشتون برسند، این کار به معنای واژگونی خاندان حاکم [در افغانستان] خواهد بود».(۱۹)
این نیز در آن کتاب ذکرشده که درتاشکند نزدیک به ٦۰۰ **تن** از امانیست ها فعال بودند و رهبر آنان **سردارریحم جان(ضیائی- شیون)، پسر عم امان الله خان بود.**(همانجا)

این منبع خبرمیدهد که :"در آستانه بازگشت نبی خان(غلام نبی خان چرخی) به کابل، در ماه اکتبر ۱۹۳۲، امانیست ها توانستند با شماری از قبایل مرزی پشتون در باره قیام مسلحانه در برابر حکومت کابل به توافق دست یابند. مرکز اصلی هواداران شاه پیشین در روستای کوهی ماچی وزیرستان هند بریتانیایی واقع بود. وزیری های نوار «آزاد» هند بریتانیایی با دشمنان نادر خان توافق نامه یی را عقد کردند در باره آماده سازی تهاجم بر کابل که در ازای آن به آن ها پرداخت هشتصد هزار افغانی و باز گذاشتن دست شان در تاراج خزانه پایتخت [پس از پیروزی و دستیابی به کابل-گ.] وعده داده شده بود."(۲۰)

اما نادرشاه که ازاین تشبثات امانیستها اطلاع حاصل کرده بود ، همین که غلام نبی خان چرخی بکابل رسید، چند روز بعد به بهانه ئی به در بار فراخوانده شد و بدستور نادرخان با سرنیزه های محافظان بشکل فجیعی بقتل رسید. اما انتقام این قتل یکسال بعد توسط هواداران غلام نبی خان گرفته شد. روز ۸ نومبر۱۹۳۳ نادرشاه توسط عبدالخالق نوکر غلام نبی خان در خود ارگ بقتل رسید.

خبرکشته شدن نا به هنگام نادرشاه در همان روز(۸ نومبر ۱۹۳۳) خبر داغ جهانی گردید. در روم، خبرنگاران خانه امان الله خان را به محاصره کشیدند. امان الله خان،ناگزیر گردید با خبرنگاران مصاحبه نماید. او در گفتگو با خبرگزاری «رویتر» گفت: «هرگاه مردم افغانستان آرزومند بازگشت من با برنامهٔ اصلاحات و ترقی ام باشند، همواره آماده هستم با همه توان به کشور خود خدمت نمایم».....و افزود که «نمی تواند از مرگ نادرشاه تا اندازه یی احساس رضایت مندی نکند، مگر در عین زمان متاسف است از این که پادشاه افغانستان کشته شده است».(۲۱)

درکتاب نبردافغانی استالین، اسناد مهمی از فعالیتهای سرویس های جاسوسی روسیه شوروی مبنی برکشف اسرار قتل امان الله خان از سوی صدراعظم هاشم خان برادرنادرشاه قید شده که برای تاریخ افغانستان بسیاربا ارزش است.از جمله مطالب زیر قابل توجه است :

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.

"هاشم خان- صدر اعظم که پس از کشته شدن برادرش نادر شاه، به ریاست خاندان یحیی خیل رسیده بود و عملا فرمانروای کشور گردیده بود، به سرعت از سوی انگلیسی ها از بالاگرفتن پویایی ها و تکاپوهای امانیست ها آگاه گردیده بود. بنا به قانون خون و انتقام و برای زدایش تهدید خاندان حاکم، بنا به فرمان شخص هاشم خان، دو گروه برای از میان بردن امان الله خان و مهره های سرشناس از حواریون او سازمان داده شد. سازمان های اطلاعاتی شوروی به سرعت از موضوع آگاهی یافته و تدبیرهای بایسته را برای حفظ زندگی امان الله خان روی دست گرفتند.

در ماه جنوری ۱۹۳٤ سفارت شوروی از کمیساریای خلق در امور خارجی رهنمود گرفت تا شاه پیشین را از تهدیدی که متوجه اوست، آگاه سازد. قره خان- معاون کمیساریای خلق در امور خارجی به آگاهی پوتومکین- سفیر شوروی در روم رساند که الله نواز خان – یاور خاص نادر شاه با گرفتن وظیفه سازماندهی کشتن امان الله به اروپا گسیل گردیده است.(۱) هاشم خان برای اطمینان بیشتر در نابود ساختن حتمی دشمن خونی خود، فرمان داد تا در پهلوی گسیل آدم های خاص به اروپا، گروه دیگری را به مکه بفرستند. چون امان الله تصمیم گرفته بود برای انجام [فریضه] حج برود.

در نیمه نخست ۱۹۳٤، شوروی ها آگاهانه و با بیداری همه اقدامات هاشم خان را که سرسختانه می کوشید [از امان الله خان و حواریون او] به خاطر برادرش انتقام بگیرد، زیر ترصد داشتند. به پیمانه بسیاری، به خاطر پویایی های مسکو، همه تلاش های مبنی بر سر به نیست سازی امان الله با شکست رو به رو گردید. برای نمونه؛ الله نواز و آدم های او از سوی پلیس ایتالیا بازداشت و سلاح های شان ضبط گردید- کاری که سر به رسوایی جهانی زد.(۲)
مگر، در آن برهه حتا این کار خاندان یحیی خیل را نتوانست وادار سازد دست از انتقام جویی بردارند. در ماه می ۱۹۳٤ احمد علی خان به سمت سکرتر سفارت افغانستان در روم گماشته شد که می بایستی به هر بهایی که شده وظیفه سپرده شده به الله نواز خان را به سر برساند. هاشم خان محافظ خاص خود- حکیم را برای انجام «اقدام» به روم فرستاد. بار دیگر استخبارات شوروی به اطلاعات «گرانبهایی» در زمینه دست یافته، آن را از طریق سفارت شوروی در روم به دسترس امان الله گذاشت که بی درنگ تدبیرهای بایسته امنیتی را در زمینه روی دست گرفت.

چنین بر می آید که پلیس و سرویس های ویژه ایتالیا در ۱۹۳٤ ناگزیر گردیدند مساعی همه جانبه یی را برای نگهبانی از امان الله خان روی دست بگیرند. میزان مشارکت سازمان های اطلاعاتی شوروی در تامین امنیت امان الله در آن برهه را کنون ناممکن است روشن ساخت. مگر می توانیم گمان بزنیم که بیخی محتمل است که این سازمان ها تنها به رساندن اطلاعات محرم از کابل به روم بسنده نکرده بودند. در نتیجه، وابستگان و همخاندانی های نادرشاه با پی بردن به بیهودگی تلاش های خود ناگزیر گردیدند برنامه رسیدن به حساب امان الله در اروپا را از سر خود بکشند. با آن که تلاش های مبنی بر مسموم ساختن او در مکه تا سال ۱۹۳۸ ادامه یافتند.
امیر(شاه) پیشین، کمک شوروی در لحظات خطر را آمادگی کرملین مبنی بر ارائه کمک چشمگیر در مبارزه او در راه بازگشت به تخت کابل ارزیابی کرد. به تاریخ ۲۱ فبروری ۱۹۳٤ سکرتر امان الله به سفارت شوروی در روم آمد و خواهش کرد یک رشته خواهش های امان الله را به مسکو گزارش دهند.

گلفاند- مستشار سفارت، این خواهش ها را در گزارش خود به کمیساریای خلق در امور خارجی بازتاب داد که در آن نشاندهی شده بود: «امان الله بر آن است که در این اواخر اقدامات او برای بازگشت به تخت به پیمانه چشمگیری افزایش یافته است. از این رو، سوء قصد به جان او نمایانگر افزایش محبوبیت او است. او برای خود بود و باش با آرامش و آسایش در روم را سزاوار نمی داند و می خواهد کار زیر زمینی را در افغانستان پویا تر سازد».(۳)
برای این کار، شاه از مسکو خواهش نمود که زمینه فعالیت دو، سه نفر نماینده او در نواحی مرزی افغانستان و شوروی فراهم آورد تا تماس هایی با امانیست ها در افغانستان برپا نموده و برای آنان آثار گوناگون تبلیغاتی و اشتهاری بفرستند. در این حال، امان الله خواهش نمود که هزینه چاپ و رسانیدن این اوراق را شوروی به دوش بگیرد. در مسکو به خواهش امان الله پاسخ مثبت دادند. در ماه مارچ ۱۹۳۵ سوریتس- سفیر شوروی در آلمان (سفیر پیشین شوروی در کابل)، به صدیق خان چرخی وعده سپرد که سفر او به شوروی به زودی انجام خواهد شد.(٤) امانیست های سرمست از باده نخستین پیروزی ها که پرو بال کشیده بودند، حتا آماده می شدند تا نخستین کنگره خود را در مسکو برپا نمایند." (۲۲)
یکی از مکانهای مناسبی که شاه امان الله میتوانست با هواداران افغان و هندی خود دیدار وگفت وگونماید، مکه وایام مراسم حج بود. وی به این منظور مهمانخانه بزرگی را تدارک دیده بود و حجاج افغانی را برای اقامت درآنجا فرا میخواند . درهیمنجا بود که اومیتوانست میزان محبوبیت خود را درمیان مردم افغانستان و آزادیخواهان هند وقبایل آزاد آرزیابی کند. و درهمینجابود که به پخش اوراق تبلیغاتی نیز می پردادخت تا حجاج این اوراق را با خود به افغانستان وسرحدات ببرند و توزیع کنند. صدراعظم هاشم خان در صدد بر آمد تا وی را توسط گماشتگان خود درمکه مسموم کند.
در صفحات بعدی اثرقبل الذکردر همین زمینه مطالبی آمده است :
"امان الله خان به سال ۱۹۳۵ به حج رفت. او از حضور خود در مکه – شهر مقدس مسلمانان – جایی که از پول خود مهمانخانه بزرگی را برای بود و باش حجاج افغانی ساخته بود، برای انجام گفتگوها با سران قبایل مرزی پشتون و

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.

نمایندگان مسلمانان هند بهره می گرفت. گفته می شد که یکی از آن ها- **رحیم رسول خان** حتا به او دو صد هزار روپیه داده بود. امان الله هنگام گفتگوها با پتان ها ابراز امیدواری کرد که تا یکی- دو سال در [ایالت] مرزی شمال غربی هند بریتانیایی و افغانستان، قیام سراسری قبایل مرزی آغاز خواهد گردید و او را باردیگر بر اورنگ شهریاری افغانستان خواهد رساند.(٥)
امانیست ها در میان حاجیان پشتون، نامه یی را پخش نمودند که در آن انگلیس ها به عنوان دشمنان همه مسلمانان خوانده شده بودند. در این پیام ها هواداران امان الله، مسلمانان هند و افغانستان را به جهاد در برابر بریتانیای کبیر فرا می خواندند. هنگامی که یکی از این نامه ها به دست حکومت بریتانیا رسید، فریزر تیتلر- فرستاده بریتانیا در کابل بیدرنگ تبلیغات هوادارن امان الله خان در میان قبایل مرزی را به آگاهی حکومت افغانستان رساند.
همزمان با آن، انگلیس پویایی(فعالیت) های دیپلماتیکی را هم در روم به راه انداخت تا حکومت ایتالیا را ناگزیر سازد که کنترل خود را بر پویایی های امان الله خان بیشتر سازد.(٦) در یک سخن؛ پیامدهای سیاسی سفر حج امان الله خان چنان بود که در لندن و کابل هنگامه بزرگی را بر پا کرد.
دلهره و پریشانی انگلیس ها مدلل بود. چون استخبارات بریتانیا توانسته بود تثبیت نماید که امانیست ها در هنگام حج ١٩٣٥ نه تنها پشتون ها را به خیزش(قیام) در برابر بریتانیا و ظاهر شاه فرا خوانده بودند، بل نیز گفتگوهای محرمی با نمایندگان شوروی انجام داده بودند. »(٢٣)
بخش های ٢٣تا ٤٢کتاب "نبردافغانی استالین"که حوادث سالهای ١٩٣٣ -١٩٤٤ را مورد بحث قرارمیدهد، بازهم از محبوبیت امان الله خان درمیان قبایل در وزیرستان شمالی وجنوبی وبرانگیختن قبایل پشتون برضد حکومت هاشم خان سخن میراند. حتی مطرح کردن شخصیت روحانی بزرگ اهل طریقت یعنی "شامی پیر"(محمدسعد گیلانی مقیم سوریه) که پیروان زیادی در میان قبایل سرحدی داشت، بحیث پیشوای قیام قبایل برضد دولت کابل نیز مورد مطالعه دولت آلمان قرارگرفت. وابرازعقیده شد که "نامزدی پیر شامی شایسته ترین و سزاوار ترین نامزدی برای سازماندهی «کارروایی» های بزرگ در مرزهای هند و افغانستان بود. پیر شامی می بایست بکوشد تا قبایل مرزی پشتون را برای یورش بر کابل برای نشاندن امان الله خان بر تخت فرا بخواند." (٢٤)

---

١ - بایگانی(آرشیف)سیاست خارجی روسیه، فوند ١٧٠، سال ١٩٣٤، پرونده ویژه ١٦، کارتن ١٧٠، پوشه ٣، برگ ٩.
٢ - همان جا، برگ ٢٦.
٣ - بایگانی سیاست خارجی روسیه، فوند ١٠، سال ١٩٣٤، پرونده ویژه ٩، کارتن ٣٦، پوشه ١٩، برگ٢٥ .
٤ - بایگانی سیاست خارجی روسیه، فوند ٠٧١، سال ١٩٣٩، پرونده ویژه ٢١، کارتن ١٨٩، پوشه ٦، برگ ٦١ .
٥- گزارش معاون قونسول انگلیس در جده تاریخی٢١/٣/ ١٩٣٥
// @L/P ١٢j. P .١٢١-١٥
٦- @L/P ١٢j. P .١٢١-٣١-٣٣.

بدین سان شاه امان الله هرگز دوستان و یاران خود را فراموش ننمود، ولی افشای اسرار و طرح های مبارزاتی شاه امان الله از سوی استخبارات حکومت نادرشاه و انگلیس ها، کوشش های آن شاه را در برآوردن آرمانهای وی نقش بر آب ساخت. بر اثر افشای اسرار قیام قبایل وزیرستان به هواداری از امان الله خان بود که غلام نبی خان چرخی بشکل فجیعی احضار و کشته شد و تمام خاندان وی گرفتار و بزندان سپرده شدند. سپس گرفتاری و به محاکمه سپردن گروه دیگری از امانیستها منجمله محمدولیخان دروازی و محمد مهدی خان سرمنشی دربار امان الله خان و میر سید قاسم خان و عبدالرحمن لودین وغیره همرزمانش، درس های بزرگی برای شاه امان الله بود تا مبارزه با رژیم نادرشاه را تا آنجا که ممکن باشد ادامه دهد. وبنا برین امان الله خان تا ١٩٤٨ با وجودیکه از هفتخان خطرات هاشم خان بسختی عبور کرده بود، از تلاش برای برگشت به کشور و استقرار مجدد نظام مشروطه درکشور دست نگرفت، ولی پس از آنکه بار دیگر دشمنانش به وی زهر خوراندند ولی نمرد و زنده ماند، در سال ١٩٤٨که دیگر آن شور و شوق سیاست بازی و صلابت ایام سلطنت برایش باقی نمانده بود، با فرستادن بیعت نامه خود به ظاهرشاه، درواقع بدوستان خود خبرداد که دیگر نمیخواهد سیاست کند. غبار مینویسد که، با فرستادن و چاپ بیعت نامۀ امان الله خان، گلیم پارتی جوانان افغان در خارج جمع شد، زیرا بعد از آنکه دشمنانش به او زهر دادند، دیگر تعادل فکری و جسمی او برهم خورد و نمی توانست کاری از پیش ببرد.(٢٥)

از نگارندۀ مقاله (اشتباهات یک قهرمان) جای گلایه نیست ولی از آقای مژده، کسیکه خود را تحلیلگر مسایل سیاسی و تاریخی میداند، خیلی بعید به نظرمی آید که آب نادیده موزه از پا بکشد و خود را کاملاً همنوا وهمصدا با نگارندۀ مقاله نشان بدهد و با علاوه کردن کلمات " **هرگز بی جا نیست"** بر پشت گفتۀ غلط او مهر تائید بزند.

دشمنی یا سوء نیت آقای مژده نسبت به شاه امان الله از کجا آب میخورد که با هرجمله تنک مایه مقاله "اشتباهات یک قهرمان" برایش کف میزند و دلش باغ باغ میشود. و می افزاید : " نویسنده می خواهد بگوید که امان الله خان قهرمانی را

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.

فقط در مقام سلطنت می خواست و به همین دلیل وی بعد از خلع قدرت از مقام قهرمانی نیز کناره گرفت."
در کجای این جمله منطق وحقیقتی دیده میشود که مورد دلچسپی وعلاقهٔ آقای مژده قرارگرفته است؟ شاه امان الله کی و در کجا گفته بود که " **قهرمان سلطنتم**" تا بعد ازخلع قدرت این عبارت در حق وی صدق پیدا میکرد.

شاه امان الله، اینقدر بزرگواری داشت که وقتی مردم قندهار او را مجدداً برهبری خود و افغانستان برداشتند و بسوی کابل بحرکت افتادند، در حوالی غزنی وقتی با اجساد بیست تن پیش قراول فراهی روبرو شد که از طرف پیروان یک روحانی شکم دریده شده و برپایه های تلفون انداخته شده بودند و نامه ئی با خط بد ملائی عنوانی شاه نوشته بودند: « این مهمانی از جانب اقوام غلجائی برای درانیان و شاه امان‌الله است.» شاه با مشاهده این خط و آن وضع اسفناک و فجیع، لشکریان را بدور خود فراخواند و گفت: « اکنون ثابت شد که دشمنان میخواهند در بین قبایل ما فساد و جنگ اندازند تا ما با دست خود یکدیگر را بکشیم و مسبب این عمل ناجایز من خواهم بود که برای باز گرفتن تخت و تاج، کشت و خونریزی روی خواهد داد. پس ای مردم عزیز من! بیقین بدانید که من این مناظر دل شکن جنگ داخلی و قبیلوی را تحمل کرده نمیتوانم. و نمی خواهم شما برای بازگشت تخت و تاج من به چنین کارها دست یازید. پس باید من از میان شما بروم تا موجب چنین کشتار و خونریزی نباشم ... سپس شاه نیکدل و حساس و مردم دوست این دو بیت واقف لاهوری را اشک ریزان خواند :

جنگ تو صلح و صلح تو جنگ است — **من بقربانت این چه نیرنگ است؟**
میروم تا کـــــه نشنـوی نامـــم — **اگـــر از نام من ترا ننگ است**

و بعدگفت فی امان الله."(٢٦)

اینست بزرگواری و مردم دوستی امان الله خان، شاهی که خون مردم نسبت به تاج و تخت سلطنت برایش ارجمند تربود، ولی از رهبران و قوماندانان جهادی و طالبی بگوئید که برای رسیدن بقدرت، دستور هر بیگانه ئی را با سر چشم می پذیرند و ریختن خون هموطن بیگناه نزد شان به اندازه خون مگسی اهمیت ندارد و ما دیدیم قساوت و سنگ دلی و سفاکی وخون ریزی و فرهنگ ستیزی و ناورائی های آنها را در دهه ۱۹۹۰ قرن گذشته که نام گرفتن از هرکدام شان ننگ انسانیت است.

باقی دارد

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد ازغور کامل بما ارسال بدارید.